



The Impact of Globalization on the Role and Function of Iranian thinker of humanities and social sciences, Reza Seyyed Hosseini

Shirzad Tayefi  *

Associate Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Accepted: 24/11/2023

Received: 17/2/2022

eISSN: ----

ISSN: ----

Abstract

Among the important fields, principles and sources in recognizing and explaining the indicators of globalization in its general and specific dimensions, is a case study of the works of prominent thinkers in the field of humanities; Therefore, in this paper, we intend to examine some translations and annotations of Reza Seyed Hosseini, as a prominent thinker in the field of humanities and social sciences, inductively and with emphasis on data and library and documentary studies. we can clarify which of these components is more prominent in her works compared to the other components by familiarizing and introducing the most prominent components of globalization in her writings and emphasizing frequencies. At the same time, in a closer look, we examine the reason and philosophy of existence of the use of these components. The result of the research shows that the emergence of these indicators in the translations and annotations of Reza Seyyed Hosseini, shows his intellectual scope and efforts to introduce his works to the reader and the impact of globalization indicators in his works. Fluency in several living languages of the world, familiarity with different works of human culture, avoidance of one-sidedness and arrogance, Deepening and insight, belief in cosmopolitan thought, respect for the status of knowledge and virtue in spreading the spirit of

* Corresponding Author: Sh_tayefi@yahoo.com

How to Cite: Tayefi, Sh. (2025). The Impact of Globalization on the Role and Function of Iranian thinker of humanities and social sciences, Reza Seyyed Hosseini, *Comparative and Interdisciplinary Studies of Literature*, 1(1), 1-20. DOI: 10.22054/CISL.2023.66651.1007

transnationalism, emphasis on cultural geography in expanding the boundaries of knowledge and awareness, etc., is one of the central manifestations of thought in the works of Reza Seyyed Hosseini to align with the realities and ideals of globalization.

Keywords: Globalization, Intellectual Performance of Thinkers, Humanities and Social Sciences, Reza Seyyed Hosseini, Translation and Annotations.

تأثیر جهانی‌شدن بر نقش و کارکرد آثار اندیشمندان علوم انسانی - اجتماعی ایران، رضا سیدحسینی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

شیرزاد طایفی * 

چکیده

ازجمله مبانی و آبخورهای مهم در بازشناسی و تبیین شاخص‌های جهانی‌شدن در ابعاد عام و خاص آن، آشنایی موردی با آثار اندیشمندان مطرح و نامدار حوزه علوم انسانی است؛ ازاین‌رو، در این جستار، بر آنیم به روش استقرایی و با تأکید بر داده‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، به بررسی برخی از ترجمه‌ها و تعلیقات آثار رضا سیدحسینی، به‌عنوان اندیشمندی برجسته در حوزه مطالعات علوم انسانی - اجتماعی بپردازیم و با تأکید بر بسامدها، روشن سازیم که کدام‌یک از مؤلفه‌های جهانی‌شدن در نوشته‌های او برجسته است و کدام‌یک در مقایسه با دیگر مؤلفه‌ها در آثار او نمود بارزتری دارد. ضمن این‌که در نگاهی دقیق، چرایی و فلسفه وجودی کاربرد این مؤلفه‌ها را بررسی می‌کنیم. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که بروز و ظهور این شاخص‌ها در ترجمه‌ها و تعلیقات رضا سیدحسینی، نشان از گستره فکری او و تلاشی که برای معرفی آثار خود به خواننده داشته است، دارد. تسلط به چند زبان زنده دنیا، آشنایی با آثار مختلف فرهنگ بشری، دوری از یک‌سونگری و خودبرتربینی، ژرف‌بینی و ژرف‌نگری، باور به اندیشه جهان‌وطنی، پاسداشت مقام دانش و فضیلت در گسترش روح فراملی‌گرایی، تأکید بر جغرافیای فرهنگی در گسترش مرزهای دانش و آگاهی و غیره، ازجمله نموده‌های محور اندیشگانی در آثار رضا سیدحسینی برای هم‌سویی با واقعیت‌ها و آرمان‌های جهانی‌شدن است.

کلیدواژه‌ها: جهانی‌شدن، عملکرد فکری اندیشمندان، علوم انسانی - اجتماعی، رضا سیدحسینی، ترجمه و تعلیقات.

۱. مقدمه

پارادایم جهانی‌شدن، از جمله کلیدواژه‌های برجسته و تأثیرگذار دنیای معاصر است. جهانی که پیشرفت چشم‌گیر و روزافزون تکنولوژی و اطلاعات، به‌ویژه در قرون بیست و بیست‌ویک، سبب کم‌رنگ شدن حدود و ثغور کشورها و ایجاد دهکده‌ای جهانی شده است. به سخن دیگر، تأثیر جهانی‌شدن، در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و در نگاهی کلان، تمام شئون زندگی انسان، موجب نزدیکی اقوام و ملل گوناگون جوامع بشری به همدیگر شده است که خواسته یا ناخواسته، آن‌ها را مجبور به ایجاد نوعی تعامل می‌کند. افزون بر این، باید یادآور شد که اندیشه‌ی جهانی‌شدن در حوزه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، از اهمیت والایی برخوردار است و یکی از دغدغه‌های اصلی و مهم پژوهشگران و اندیشمندان این حوزه، ایجاد و معرفی شاخص‌های اصلی و فرعی پارادایم جهانی‌شدن است.

هرچند باید این نکته را نیز در نظر داشت که دیدگاه‌های متفاوتی در بین نظریه‌پردازان و صاحبان اندیشه، نسبت به مقوله‌ی جهانی‌شدن، بخصوص جهانی‌شدن علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وجود دارد. پیشگاهی فرد دو برداشت متفاوت از جهانی‌شدن را این‌گونه توضیح می‌دهد:

برداشت عده‌ای از جهانی‌شدن فرهنگ، به وجود آمدن یک فرهنگ فراگیر برای همه‌ی ملت‌های جهان، متفاوت با همه‌ی فرهنگ‌های محلی، ملی و قاره‌ای موجود است. فرهنگی که در آن زبان، سنن، تمایلات، ارزش‌ها و شیوه‌های پرکردن اوقات فراغت برای همه‌ی مردم جهان یکسان شده است و به موازات گسترش و تعمیق آن، فرهنگ‌های بومی تضعیف شده... برداشت جمعی دیگر از صاحب‌نظران از جهانی‌شدن فرهنگ، قربانی شدن هویت‌های بومی و ملی در پیش پای یک فرهنگ جهانی نیست. آنان معتقدند در شرایط جهانی‌شدن فرهنگی، بسیاری از شاخص‌های فرهنگی بومی و محلی برجسته شده و به فراسوی سرزمین ملی و بوم‌گاه‌های محلی سرازیر می‌شود... فراسرزمینی شدن هنرها درواقع به موازات سرزمینی شدن دگرباره‌ی آن‌ها به شکل جریان‌های فرهنگی است که از

تأثیر جهانی شدن بر نقش و کارکرد آثار اندیشمند علوم انسانی - اجتماعی ایران، رضا سیدحسینی؛ طایفی | ۵

رسانه‌های منطقه‌ای چون رادیو و تلویزیون بهره می‌گیرند تا ویژگی‌های بومی را برجسته نمایند. از نظر این دانشمندان برخی فرهنگ‌ها که امروزه به‌عنوان فرهنگ ملی از آن‌ها یاد می‌شود، مصنوعی به نظر می‌رسد. آنان معتقدند خطوط جداکننده واحدهای سیاسی (مرزها) نمی‌تواند جداکننده فرهنگ‌ها نیز باشد و چنانچه دل‌بستگی نهایی افراد، هویت بومی، قومی، فرهنگی و دینی آن‌ها باشد؛ پابرجا می‌ماند؛ بنابراین باید گفت که جهانی شدن به معنای از دست رفتن هویت‌های بومی نیست؛ بلکه به معنای از دست رفتن مرزبندی‌های مصنوعی است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۱۵۹-۱۶۱).

بنابراین، ازجمله راهکارهای رسیدن به دیدگاه گروه دوم درباره پارادایم جهانی شدن، آشنایی با آثار اندیشمندان مطرح و نامدار حوزه علوم انسانی و مطالعه دقیق آن‌ها است؛ چراکه اینان با روحیه فرامرزی خود، در پی ایجاد و گسترش تعاملی سازنده، میان تفکرات موجود در سرزمین‌های مختلف و متعدّدند.

در جستار حاضر کوشیده‌ایم با گزینش برخی از آثار رضا سیدحسینی، در جایگاه یکی از بزرگ‌ترین پژوهشگران و اندیشمندان معاصر ایران در حوزه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و اجتماعی، به طرح و واکاوی ویژگی‌ها و الگوواره‌های اندیشه‌های او از منظر جهانی شدن و تأثیر و تأثرات آن پردازیم.

رضا سیدحسینی، اندیشمندی چیره‌دست و پرکار است که سهم بسزایی در شناساندن آثار جهانی به ایرانیان دارد و با تأمل دقیق در آثار ترجمه‌شده و برخی تعلیقات او، می‌توان دریافت که تعدادی از شاخص‌های جهان‌شدن در نوشته‌های وی تبلور معنادار و برجسته‌ای دارند و این مسئله همان پارادایم جهانی شدن در نظرگاه اندیشمندان علوم انسانی است.

۱ - ۱. پرسش‌های پژوهش

- ویژگی‌ها و شاخصه‌های برجسته آثار رضا سیدحسینی از منظر ویژگی‌های جهانی شدن چیست؟

- کدام یک از مؤلفه‌های جهانی شدن موجود در آثار رضا سیدحسینی در مقایسه با دیگر مؤلفه‌ها از بسامد بالاتری برخوردار است؟

فرضیه‌های پژوهش:

- به نظر می‌رسد تسلط رضا سیدحسینی به چند زبان زنده دنیا، پاسداشت فضیلت و روحیه فراملی‌گرایی، اندیشه جهان‌میهنی و تأکید بر جغرافیای فرهنگی، جایگاه و شخصیت علمی رضا سیدحسینی را در میان پژوهشگران معاصر برجسته و خاص کرده است.

- تسلط به چند زبان و آشنایی با فرهنگ و ادب زبان مبدأ و مقصد، جزو نقاط قوت و برجسته‌ی آثار رضا سیدحسینی است. عطف به این ویژگی، مسائلی چون ژرف‌نگری و دوری از یک‌سونگری، پاسداشت فضیلت و جهان‌وطنی در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

۱ - ۲. پیشینه پژوهش

در گستره پژوهش‌های معاصر، درباره آثار و شخصیت علمی رضا سیدحسینی، نوشته‌ها و آثار متعددی وجود دارد که در این بخش، به آن دسته از مکتوبات و نوشته‌هایی که در شکل‌گیری زمینه‌های این پژوهش مورد مطالعه و تأمل قرار گرفته، اشاره‌ای می‌شود. قریب به اتفاق صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه‌ی ترجمه، از رضا سیدحسینی به عنوان مترجمی چیره‌دست و بی‌بدیل یاد می‌کنند؛ از این رو، محمدجواد کمالی بخش‌هایی از کتاب خود به نام *تاریخ ترجمه ادبی از فرانسه به فارسی* را به این اندیشمند و مترجم شاخص، اختصاص داده و از تسلط رضا سیدحسینی به چند زبان زنده دنیا و معرفی برخی از آثار ایشان سخن به میان آورده است. همچنین در شماره پنجاه مجله بخارا، یادداشت‌هایی درباره شخصیت علمی و جایگاه رضا سیدحسینی در حوزه علوم انسانی و ویژگی‌های کاری و اخلاقی ایشان از عبدالحسین آذرنگ، احمد سمیعی، بهاء‌الدین خرمشاهی، مهشید نونهالی، هوشیار انصاری و دیگران پژوهشگران به چاپ رسیده که در این پژوهش از آن‌ها نیز استفاده شده است؛ با این حال، با توجه به سؤالات و فرضیه‌های مطرح شده، به نظر می‌رسد جستار حاضر، نخستین اثری باشد که از منظر پارادایم جهانی‌شدن، به آثار ترجمه‌شده و تألیفی او می‌پردازد.

۲. گذری بر آثار و احوال رضا سیدحسینی

رضا سیدحسینی در سال ۱۳۰۵ در اردبیل متولد شد. پس از گذراندن دوره‌های تحصیلی مقدماتی (ابتدایی و متوسطه) در زادگاهش، وارد مدرسه پست و تلگراف شد و تحصیلات عالی خود را در رشته ارتباطات دور آغاز کرد. حضور پڑمان بختیاری، معاون و معلم فرانسه این مدرسه، مشوق او در تکمیل معلوماتش در زبان فرانسه شد. سیدحسینی، برای ادامه تحصیل، با استفاده از بورس تحصیلی به مدرسه عالی ارتباطات دور «پاریس» (دوره انسپکتورا) رفت. بعدها نیز، چند ماه در دانشگاه U. S. C. لس آنجلس آمریکا در رشته فیلم سازی، دوره‌ای گذراند. پس از بازگشت به ایران، به کمک عبدالله توکل، به تکمیل معلومات خود در زبان فرانسه همت گذاشت. در این اثناء، مانند دیگر مترجمان نسل جوان، با مجله سخن و از طریق آن، با دکتر پرویز ناتل خانلری آشنا شد و فرصت یافت که از راهنمایی‌های ارزشمند او برخوردار شود و زبان مذهب‌تر و قوی‌تر در ترجمه و نگارش پیدا کند.

وی سال‌ها سردبیری مجله سخن را بر عهده داشت و در «حلقه سخن» بر اندوخته‌های علمی و فرهنگی خویش افزود؛ اما این یگانه فعالیت حرفه‌ای او نبود، در اداره مخابرات و رادیو و تلویزیون نیز مشاغلی بر عهده داشت و ترجمه از زبان‌های فرانسه، ترکی استانبولی و ترکی آذربایجانی را نیز به جد پیگیر بود. او در سال‌های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ به همراهی عبدالله توکل، شش کتاب را ترجمه و منتشر کرد.

اولین اثری که سیدحسینی آن را به تنهایی (از ترکی استانبولی) ترجمه کرد، تونیو کروگو، اثر توماسمان در سال ۱۳۳۰ بود. سیدحسینی این اثر را از بهترین ترجمه‌های خود می‌دانست و به آن علاقه‌ای خاص داشت. او در همین سال‌ها، سلسله مقالاتی در مجله فرهنگ نو منتشر ساخت که موادی از یکی از آثار ماندگار او را فراهم آورد. وی به تشویق ابوالحسن نجفی، این مقالات را از نو بازبینی و تکمیل کرد و حاصل را برای چاپ و نشر به انتشارات نیل سپرد. بدین ترتیب، مکتب‌های ادبی (۱۳۳۴) در دوپست صفحه پدید آمد که یگانه کتاب فارسی در آن مبحث به حساب می‌آمد و برای نسل‌های متعدد از دانشجویان

کتاب درسی شد. سیدحسینی طی پنجاه سال این کتاب را غنی‌تر ساخت و مدام ویرایشی نو از آن عرضه داشت؛ به‌طوری‌که آخرین ویرایش آن اثر تازه‌ای در دو جلد و ۱۷۰۰ صفحه شد که [از سوی] انتشارات نگاه، مستمرآ به چاپ‌های جدید رسید... کارنامه فرهنگی سیدحسینی با فعالیت در شاخه دیگری نیز پیوند دارد: شش سال تدریس مبانی نقد (فلسفه هنر و ادبیات) در آموزشکده تئاتر فرهنگسرای نیاوران. سیدحسینی این سال‌ها را از بهترین ایام زندگی خود می‌دانست و امیدوار بود بتواند درس‌نامه‌هایش را گرد آورد و پس از تدوین، چاپ کند. از مجموعه آن‌ها، در باب شکوه سخن اثر لونگینوس (یک کتاب فن بلاغت یونانی مربوط به قرن اول میلادی) چاپ و منتشر شده است.

از سال ۱۳۶۸، سیدحسینی سرپرستی دوره شش‌جلدی فرهنگ آثار را پذیرفت - کاری که یک دهه از زندگی‌اش وقف آن شد - وی در ایفای این مسئولیت، حقیقتاً از دل و جان مایه گذاشت؛ به‌طوری‌که هیچ حادثه‌ای حتی مرگ دلخراش فرزندش، بابک، او را از ادامه این کار باز نداشت. انتشار این اثر را که به سرپرستی سیدحسینی، با دیگر اعضای هیئت علمی، اسماعیل سعادت، احمد سمیعی (گیلانی) و ابوالحسن نجفی و همکاری مترجمان متعدد پدید آمده و به نفقه انتشارات سروش چاپ و منتشر شد، درواقع حادثه فرهنگی اثرگذاری باید شمرد و آن، اکنون، به‌عنوان مرجعی موثق در دسترس اهل قلم و پژوهشگران قرار دارد.

پس از فرهنگ آثار، انتشار فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی در دستور کار انتشارات سروش قرار گرفت که سیدحسینی به‌عنوان عضو هیئت علمی در آن سهم مؤثری یافت. بدین ترتیب، سرپرستی و همکاری در آماده‌سازی این فرهنگ‌ها برای چاپ، سال‌های پایانی حیات پربار سیدحسینی را به خود مشغول داشته بود. سیدحسینی تحریر نهایی جلد اول فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی را از صدر تا ذیل با دقت و حوصله‌ای ستودنی خواند و اصلاحات او بر ارزش و اعتبار آن بسی افزود؛ اما متأسفانه جلد دوم این فرهنگ مجال آن نیافت که از نظر تیزبین و نکته‌سنج سیدحسینی بگذرد و اجل مهلت نداد که او شاهد انتشار جلد دوم فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی باشد. بسیاری از کارهای ترجمه‌ای و تألیفی

تأثیر جهانی شدن بر نقش و کارکرد آثار اندیشمند علوم انسانی - اجتماعی ایران، رضا سیدحسینی؛ طایفی | ۹

موردعلاقه سیدحسینی نیز ناتمام ماند، از جمله کتاب هشت جلدی چشم انداز ادبیات جهان، اثر ژوزف کسل که از هر کدام صد صفحه ای ترجمه کرده بود؛ اما ناقص ماند. درباره کتاب چشم انداز ادبیات جهان، خود وی می گفت: «اگر بی لطفی یکی از همکارانم نبود و جلد دوم آن را به اتفاق متن اصلی گم و گور نکرده بود، الآن لااقل دو جلد آن منتشر شده بود». سیدحسینی در سال ۲۰۰۰ موفق به دریافت نشان شوالیه پالم آکادمیک از دولت فرانسه شد و در سال ۱۳۸۱ (در اولین دوره) به عنوان چهره ماندگار انتخاب شد (اقتصادی نیا، ۱۳۸۷: ۱۹۷-۱۹۹).

سرانجام، پس از تحمل یک دوره ی طولانی بیماری، در یازدهم اردیبهشت سال ۱۳۸۸ دارفانی را وداع گفت.

۳. یافته ها

۳ - ۱. مؤلفه های جهانی شدن در آثار رضا سیدحسینی

۳ - ۱ - ۱. تسلط به چند زبان

«انتقال علوم و اندیشه ها میان ملت ها و کشورهای ناهم زبان که از آغاز شکل گیری تمدن به یاری ترجمه میسر شده، بی تردید تأثیری انکارناپذیر در رشد و تحول زبان ها و غنای فرهنگ های موجود داشته است» (کمالی، ۱۳۹۲: ۵)؛ بنابراین ترجمه به منزله پل ارتباطی میان دو یا چند ملت با زبان های ناهمگون است.

علاوه بر این، اگر به این مقوله، قدری دقیق تر بنگریم، در خواهیم یافت که ترجمه، نه تنها پل ارتباطی میان ملل، بلکه ایجادکننده نوعی تعامل بین آنهاست و از رهگذار آن می توان به تأثیر و تأثر زبان های مبدأ و مقصد در حوزه های مختلف، به ویژه حوزه علوم انسانی و مطالعات مربوط به فرهنگ اشاره داشت.

حال از میان اندیشمندان و صاحب نظران مربوط به حوزه ترجمه و همچنین آشنا با گستره فرهنگ و ادب ملل، رضا سیدحسینی جزو افرادی است که توانمندی و چیره دستی وی، اعتباری ویژه به شخصیت علمی و آثار ایشان بخشیده است. به بیانی دیگر، زمانی که

خواننده، اثری را که سید حسینی ترجمه کرده است؛ می‌خواند، این اعتماد و باور در او ایجاد می‌شود که ترجمه‌ی کتاب، مطابق با اصول و فنون ترجمه انجام شده است و گاه، شیوایی و روانی متن، خواننده را به این گمان می‌اندازد که کتاب از سنخ ترجمه نیست. از جمله شاخص‌های مهم و برجسته‌ی رضا سیدحسینی که تأثیر شگرفی در معرفی آثار جهانی به ایرانیان دارد، آشنایی و تسلط وی به چند زبان زنده دنیا است. کمالی درباره آگاهی و تسلط وی به زبان می‌گوید:

رضا سیدحسینی با زبان ترکی استانبولی کاملاً آشنا بود و دوستش عبدالله توکل نیز فرانسه می‌دانست. آن‌ها به اتفاق، با توجه به وضعیت حاکم بر بازار کتاب و اقبال به ادبیات عامه‌پسند، شش اثر را از طریق این دو زبان به فارسی در آوردند. از جمله: بیست و چهار ساعت از زندگانی یک زن و مالک سافرانسیسکو از اشتفن تسوایک، زن بازیچه از پی‌یر لویس، دختر چشم طلایی از بالزاک، مکتب زنان و در تنگ از آندره ژید. سیدحسینی در این فاصله به کمک توکل کمی فرانسه یاد گرفت. البته خوش‌اقبالی دیگری هم داشت؛ زیرا در مدرسه‌ای که درس می‌خواند، پژمان بختیاری ناظم و معلم فرانسه بود. با شرکت در کلاس‌های او، کم‌کم به مرحله‌ای رسید که توانست مستقلاً از فرانسه ترجمه کند. او آثار ادبی زیادی را از زبان فرانسه به فارسی برگرداند، از جمله: غوغای ژوئیه از ارسکین کالدول، لایم لایت از چارلی چاپلین، طاعون اثر آلبر کامو، مدراتو کانتابیله از مارگریت دوراس، ضد خاطرات با همکاری ابوالحسن نجفی و امید از آثار آندره مالرو، بهانه‌ها و بهانه‌های تازه از آندره ژید و در دفاع از روشنفکران از ژان پل سارتر. او با همکاری جلال خسروشاهی کتاب‌های ترجمه‌شده‌ای از زبان ترکی نیز دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: آن‌سوی کوهستان از یاشار کمال، آخرین شعرها از ناظم حکمت و مرگ عزیز بیچار از لطیفه تکین (همان: ۴۸۵ - ۴۹۵).

علاوه بر این، رضا سیدحسینی آثاری دیگری نیز به فارسی ترجمه کرده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سه /متحان درباره نظریه‌ی میل جنسی از فروید، انتقام کربلا (قیام مختار) از ضیاء شاکر، تونیو کروگر از توماسمان، پیروزی فکر اثر اوریزن

اسوت ماردن، جاده‌ی تنباکو از ارسکین کالدول، رؤیای عشق از ماکسیم گورکی، در جست‌وجوی خرابکار از ادیس شرایی، رادیو؟ بسیار ساده است (با همکاری مهندس آزونین)، داستان‌هایی با قهرمانان کوچک از نویسندگان بزرگ، قصه‌هایی از نویسندگان بزرگ برای خردسالان، آمریکازده‌ها از سرژ رضوانی و دیگر آثار که نشان از تسلط بارز او بر زبان‌های فرانسه، ترکی استانبولی، ترکی آذری، عربی و انگلیسی دارد.

۳- ۱- ۲. آشنایی با آثار گوناگون فرهنگ بشری و دوری از یک‌سوگر

از جمله ویژگی‌های برجسته شخصیت علمی رضا سیدحسینی، مطالعات چندجانبه ایشان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و مطالعات مربوط به فرهنگ بشری است. آثار ترجمه‌شده ایشان، برخی در حوزه ادبیات، بخصوص در نوع ادبی رمان و داستان است؛ از جمله آثاری مانند /مید از آندره مالرو، طاعون اثر آلبر کامو، غوغای ژوئی و جاده تنباکو از ارسکین کالدول، آبروباخته از جک لندن. او از شاخه‌های دیگر ادبیات، مانند حوزه‌های مربوط به شعر و نقد ادبی نیز آثاری را ترجمه کرده است؛ از جمله این آثار، می‌توان به آخرین شعرها از ناظم حکمت (با همکاری جلال خسروشاهی) و همچنین بهانه‌ها و بهانه‌های تازه که مجموعه مقالاتی است از آندره پل گیوم ژید اشاره کرد. افزون بر این، آشنایی سیدحسینی، محدود به حوزه ادبیات نمی‌شود؛ بلکه با دقت در بخشی دیگر از آثار ترجمه‌شده وی، مشخص می‌شود که حوزه مطالعاتی و معرفتی سیدحسینی فراتر از این‌ها است. تعدادی از آثار او مربوط به حوزه روان‌شناسی است که می‌توان به دو اثر برجسته پیروزی فکر از اوریزن اسوت ماردن و سه امتحان درباره میل جنسی از فروید اشاره کرد. همچنین او کتابی تحت عنوان در دفاع از روشنفکران از سارتر را ترجمه کرده است. ترجمه روان و دقیق سیدحسینی از این کتاب فلسفی، نشان‌دهنده آشنایی وی با مبانی فلسفه است.

از جمله جذاب‌ترین آثار ترجمه‌شده سیدحسینی که شیرینی و لطافت خاصی دارد، آثار مربوط به گروه سنی کودک و نوجوان است. کتاب‌هایی مانند داستان‌هایی با قهرمانان کوچک از نویسندگان بزرگ و قصه‌هایی از نویسندگان بزرگ برای خردسالان، نشان از

اهتمام و توجه وی به این گروه سنی دارد. همچنین در میان آثار ترجمه‌شده، با کتابی به نام *انتقام کربلا (قیام مختار)* از ضیا شاکر مواجه می‌شویم که رنگ و بوی مذهبی دارد. از جمله کارهای گران‌سنگ و سترگ پهنه‌ی ادب و فرهنگ ایران، کتاب *فرهنگ آثار* به سرپرستی رضا سیدحسینی است که در شش مجلد و بالغ بر ۴۷۰۰ صفحه متن است. این اثر در اصل «محصول همکاری مشترک پژوهشگران ایتالیایی و فرانسوی است که با همکاری جمعی از مترجمان شایسته، از فرانسوی و بعضاً آلمانی به فارسی ترجمه شده است. معرفی بیست هزار کتاب مشهور جهان به‌اختصار و به‌گونه‌ای که حق معرفی، درست ادا شود، به‌راستی کاری است کارستان» (آذرنگ، ۱۳۸۵: ۵۶).

وقتی با انبوه عظیم و شگرف آثار ترجمه‌شده‌ی سیدحسینی مواجه می‌شویم، خواسته یا ناخواسته درمی‌یابیم که فهم اثری که ترجمه باشد، منوط به دانش و از آن مهم‌تر، خوانش درست و فهم ادبیت و فرهنگ اثری است که قرار است به زبان فارسی برگردانده شود. هنگامی که کتب ترجمه‌ی سیدحسینی را می‌خوانیم، به‌راحتی با نص شیوا و روان کتاب ارتباط برقرار می‌کنیم و همین مسئله دست خواننده‌ی هوشمند را می‌گیرد و وی را به فراسوی مرزها می‌برد و با دیگر فرهنگ‌ها آشنا می‌سازد. باید با تأکید بیشتری یادآوری کرد که در آثار ترجمه‌شده‌ی سیدحسینی، خواننده با یک ترجمه خوب و شاخص مواجه است. شاید بتوان یکی از دلایل این امر را (جدداً از دانش و تسلط بر زبان)، دوری از ویژگی یک‌سونگری مترجم دانست. به بیان دیگر، تمام تلاش سیدحسینی بر این است که ترجمه‌ای ارائه دهد که ضمن دارا بودن زبانی روان و سلیس، حق مطلب را به‌درستی بیان کند. همان‌گونه که یادآور شدیم، پارادایم جهانی‌شدن، این حدود و ثغور را کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌کند و فاصله بین اقوام و ملت‌ها، کم‌تر و کم‌تر می‌شود.

۳-۱-۳. ژرف‌بینی و ژرف‌نگری

از دیگر شاخص‌های مهم سیدحسینی، ژرف‌بینی و ژرف‌نگری نسبت به مسائل اطراف است. نمود این ویژگی را در آثاری که ترجمه کرده است، می‌توان دید. در برخی از کتاب‌هایی که سیدحسینی آن‌ها را ترجمه کرده، گاه با مقدمه یا تعلیقاتی مفصل و از آن

مهم‌تر، راهگشا و عالمانه مواجه می‌شویم. اینکه مترجم اثری، زندگی‌نامه نویسنده کتاب را در مقدمه بیاورد، کار شگرف و عجیبی نیست؛ اما هنگامی که خود پس از خواندن و خوانش‌های مستمر، اثر ترجمه‌شده را در ترازوی نقد می‌گذارد، یا مطالبی را ارائه می‌دهد که به خواننده کمک می‌کند تا متن را راحت‌تر و بهتر بفهمد، کاری است درخور توجه که رضا سیدحسینی در برخی از آثار خود این کار را انجام داده است. برای مثال، در مقدمه کتاب *بهانه‌ها و بهانه‌های تازه*، اثری ترجمه‌شده از آندره ژید که مجموعه مقالاتی است از بحث‌و‌جدل‌های مطبوعاتی وی به انضمام سخنرانی و برخی نامه‌های او، می‌نویسد:

مجموعه این مقاله‌ها در سه مجلد با عناوین *بهانه‌ها*، *بهانه‌های تازه* و *برخوردها* منتشر شده است. البته می‌توان گفت نیمی از این مقاله‌ها در روزگار ما، دیگر تازگی ندارند یا درباره‌ی اشخاصی هستند که اکنون دیگر فراموش شده‌اند. این است که بهترین راه آشنایی با این آثار، انتخاب مقاله‌هایی بود که هنوز هم ارزششان را حفظ کرده‌اند. من چنین انتخابی را نخست در سال ۱۳۴۷ انجام دادم و منتخبی از آن مجموعه را زیر عنوان *اندرزها* به نویسنده‌ای جوان منتشر کردم. اکنون بیش از سی سال از آن تاریخ می‌گذرد. آن کتاب را هم مثل اغلب کارهای دیگر دوران جوانیم دیگر چاپ نکردم تا فرصتی برای بازدید و تکمیلش پیدا کنم. اکنون با افزودن چند مقاله اساسی به آن سه کتاب، می‌توانم یقین داشته باشم که آنچه در اینجا گرد آمده است بهترین مقاله‌های آن سه کتاب است (سیدحسینی، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۳).

اگر نیک بنگریم و انصاف را رعایت کنیم، درخواهیم یافت که گذر زمان، غبار ایستایی و جزم و جمود بر هنر والای سیدحسینی نشانده است و وی پس از گذشت سی سال، دوباره کتاب را تصفح نموده، با ژرف‌نگری مثال‌زدنی، آنچه را که نیاز جامعه امروز است، انتخاب و همان را ترجمه کرده است و درنهایت خود یادآور می‌شود که آنچه در این کتاب (بهانه و بهانه‌های تازه) گردآمده، جزو بهترین مقاله‌های آندره ژید است. مترجم کار بلد و صاحب‌ذوق و اندیشه، تمام همت خود را می‌گمارد تا اثری پیراسته از هرگونه زوائد احتمالی به مخاطب و مردم سرزمین خود تحویل دهد.

علاوه بر این، سیدحسینی در مقدمه کتابی دیگر با نام *داستان‌هایی با قهرمانانی کوچک از نویسندگان بزرگ* می‌نویسد:

قصه‌ها معمولاً شرح غیرواقعی و مداومی از زندگی قهرمان هستند. هر قصه با آغاز یک زندگی یا دوره‌ای از زندگی شروع می‌شود، برای قهرمان آن، مشکلاتی پیش می‌آید و قهرمان با زور یا با نیروی عقل و یا به یاری نیروهای ماوراءالطبیعه بر آن مشکلات فائق می‌آید و قصه با پیروزی او پایان می‌یابد؛ اما داستان کوتاه چنین جریان مداومی ندارد. داستان کوتاه به یک قطعه شعر و یا یک تابلو نقاشی نزدیک‌تر است تا به یک قصه. در داستان کوتاه یک حادثه فرعی از زندگی را به عاریه می‌گیرند تا به بهانه آن، گاهی یک نکته عاطفی یا ظریف، گاهی یک ترکیب زیبا و گاهی یک تحلیل دقیق را عرضه کنند. از این‌رو خواننده‌ی جوان، نخست باید داستان کوتاه را بشناسد و برای این منظور بیش از هر چیز به خود بقبولاند که با قصه روبه‌رو نیست (سیدحسینی، ۱۳۷۰: ۳).

و در پاورقی اشاره می‌کند که «در اینجا قصه به جای Conte، داستان کوتاه به جای Nouvelle و حکایت به جای Recit آمده است» (همان).

مقدمه این اثر که مخاطب عام آن، کودکان و نوجوانان هستند نیز، خالی از نکته یا نکات آموزشی دقیق و تیزبینانه نیست؛ از این‌رو، سیدحسینی را باید جزو پیش‌قراولانی به حساب آورد که از طرفی، نیاز جامعه را خوب تشخیص می‌داد و از سویی دیگر، آثاری که برای ترجمه انتخاب می‌کرد، هدفمند و با وسواس فکری خاص بود. ضمن اینکه تمام توان خود را به کار می‌گرفت تا در مقدمه یا در تعلیقات اثر، حتماً اشاره‌ای مفید و دقیق به فضای کلی اثر داشته باشد.

۳- ۱- ۴. جهان‌وطنی و پاسداشت فضیلت و دانش در روحیه فراملی‌گرایی

یکی از آثار ارزشمند ترجمه‌شده، *رمان/مید، اثری از آندره مالرو* است. علی‌اکبری درباره‌ی *مید* گفته است:

از همان نخستین صفحات مقدمه، خواننده احساس می‌کند به میان یک تجربه مشترک انسانی پا می‌گذارد. تجربه‌ای که از آغاز قرن بیستم شروع می‌شود و به قرن

بیست و یک می‌پیوندد. تجربه‌ای که به قول آندره مالرو آغازش با انقلاب شوروی و ادامه‌اش جنگ داخلی اسپانیا به‌عنوان مقدمه‌ی جنگ دوم جهانی است و باید افزود تجربه‌ای که با انقلاب ایران نقطه‌ی پایانی می‌نهد بر قرن بیستم؛ اما سده بیست و یکم خونین تر از سده بیست آغاز می‌شود. جنگ‌های داخلی لیبی و سوریه و عراق و افغانستان و مصر که تکه‌های پازل این قرن را طراحی می‌کنند، امید یک رمان تاریخی - اجتماعی و درعین حال جدال ذهنی ایده‌های انسانی در وسط ماجرا و هیاهوی جنگ است. در این اثر، اخلاق نه در قالب احکام و قضایای فلسفی و علمی، بلکه در مواجهه با عمل شخصی معین، به چالش کشیده می‌شود. در شکل‌های مختلف فرار و خیانت و غارت و نقص عضو و کشتن و کشته شدن (علی اکبری، ۱۳۹۲: ۵۱۸).

سیدحسینی در همان مقدمه کتاب، به جنگ داخلی اسپانیا و برخی مسائل تاریخی مربوط به آن اشاره می‌کند. زمانی که مخاطب مقدمه کتاب را می‌خواند، با جانبداری از اندیشه‌ای خاص مواجه نمی‌شود. گویا مترجم به‌عنوان یک راوی صادق و منبع موثق، رخدادهای تاریخی مربوط به جنگ داخلی اسپانیا را با طبقه‌بندی دقیق، سال‌به‌سال و یک‌به‌یک، بازگو می‌کند و این پیام را به خواننده القا می‌کند که جنگ، در هر شرایط و وضعی، ویرانی و قربانی به دنبال دارد. آنچه ارزشمند است، آزادی، صلح و انسانیت است. همین امر، ما را به یاد مقوله جهان‌میهنی می‌اندازد. برای مثال در مقوله شعر، شاعر «با جهان‌بینی گسترده‌ای، مفاهیم پایداری را در شعرش بیان می‌کند؛ یعنی زمانی که شاعر به بازگویی مسئله جنگ می‌پردازد، می‌کوشد آن را در کشورهایی که به‌نوعی درگیر این مسئله هستند واکاوی کند، نه فقط در وطن خودش. ایده جهان‌وطنی، همچنین منجر می‌شود که شاعر به نمایندگان اندیشه‌های صلح، آزادی و... در شعرش اشاره کند» (قاسمی و صفری، ۱۳۹۴: ۲۲۶).

حال اگر این اندیشه را قدری بسط دهیم، می‌توانیم از آن به‌عنوان یک پارادایم نام ببریم. در رمان/مید، ما با تفکری جهان‌وطنی مواجهیم که مترجم، هوشیارانه متن را انتخاب و با مقدمه خود، آگاهی خواننده را نسبت به این مقوله دوجندان کرده است. به نظر

می‌رسد اندیشه‌ی جهان‌میهنی یکی از پررنگ‌ترین شاخص‌های فکری سیدحسینی به شمار می‌آید.

علاوه بر رمان /مید، ازجمله آثار ارزشمند سیدحسینی، ترجمه‌ی کتاب پیروزی فکر، اثر اورایزن اسوت ماردن، نویسنده و پژوهشگر آمریکایی است. محتوای غالب کتاب، درباره‌ی روانشناسی و ارائه‌ی راهکارهای کاربردی و عملی برای به دست آوردن اعتمادبه‌نفس و همچنین کشف و تبلور توانایی‌های انسان و زدودن تفکرات منفی است. ازجمله شاخص‌های برجسته‌ی کتاب در زبان مبدأ، طبقه‌بندی مرتب مباحث و فصل‌بندی هدفمند است. سیدحسینی با اشراف قابل‌تحسین خود، مفاهیم کتاب را به همان صورت طبقه‌بندی و با زبانی شیوا و روان ترجمه کرده است؛ چنانکه خواننده از خواندن کتاب نه تنها خسته نمی‌شود، بلکه با اثری از آثار مغرب‌زمین آشنا و در زندگی روزمره‌ی خود از آن بهره می‌برد. آنچه باید در اینجا به آن اشاره و تأکید کرد، پاسداشت فضیلت و کمک به گسترش و نشر آن است.

سیدحسینی در پیروزی فکر، سعی کرده است گامی مؤثر در ارتقای آرامش روحی و روانی مردم سرزمینش بردارد و این مسئله را جزو رسالت‌های خود می‌داند. او از اینکه نویسنده‌ی کتاب برای کدام ملیت یا قومیت است و سؤالاتی از این قبیل که مانع پیشرفت علم و جدایی بین ملل می‌شود، فارغ است. برای مثال، در بخشی از کتاب پیروزی فکر می‌خوانیم:

عده‌ی کسانی که به دنبال غم می‌روند و از آن استقبال می‌کنند و بزرگش می‌کنند، به درجه‌ی تعجب‌آوری زیاد است. اینان مسلماً در کار خویش موفق می‌شوند؛ زیرا کسی که در جست‌وجوی غم و اندوه باشد، حتماً آن را پیدا می‌کند و فقط کافی است که درهای مخیله‌ی خود را به روی غم و اندوه باز گذارد. می‌گویند در آن روزهایی که در غرب امریکا، جنگل‌های بزرگ به‌صورت جلگه و مزرعه در آورده می‌شد، کارگران مهاجری که طپانچه و کارد به کمر داشتند، پیوسته با رفقای خود زدوخورد می‌کردند، ولی مهاجرین بی‌سلاح کمتر اتفاق می‌افتاد که دعوایی بکنند؛ زیرا حادثه‌ی کوچکی را که باعث

می شد مرد مسلح دست به اسلحه ببرد، مرد بی سلاح، به آسانی، با چند کلمه حرف حل می کرد. مهاجران بی سلاح، در حین کار، نه به سلاح خود، بلکه به هوش و فراست و نفس پرنشاط خودشان اعتماد داشتند (اسوت ماردن، ۱۳۶۸: ۵۷-۵۸).

۳- ۱- ۵. تأکید بر جغرافیای فرهنگی

یکی از ویژگی های مهم در زمینه جهانی شدن، تأکید بر جغرافیای فرهنگی است. جغرافیایی که در آن خطوط و ثغور مصنوعی و ظاهری، فاصله بین ملل و قومیت ها را تعیین نمی کنند؛ بلکه دارا بودن یک یا چند وجه مشترک در عرصه های علمی، ادبی، فرهنگی و غیره می تواند به عنوان وجه تمایز ملتی از ملت دیگر، یا قومی از قوم دیگر باشد. همان طور که پاینده گفته است:

فاصله جغرافیایی بین کشورها و مناطق دیگر مانعی جدی در راه برقراری ارتباط انسان ها و فرهنگ های گوناگون تلقی نمی شود [و این امر] باعث شده است که محصولات ادبی به سرعت در سایر کشورها شناخته و ارزش گذاری شوند... ادبیات فارسی پیشینه ای بسیار دیرین دارد و گستره آن در گذشته، از جمله در پرتو پهناوری امپراتوری کهن ایران، از مرزهای امروز کشور ما بسی فراتر رفته بود. برای مثال، شبه قاره هند و بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی بخشی از مناطقی هستند که ادبیات کلاسیک ما از دیرباز در آن ها نفوذ داشته و حتی تکوین یافته و این نفوذ را هنوز هم به شکل هایی حفظ کرده است (پاینده، ۱۳۸۵: ۳۶-۳۷).

شفیعی کدکنی نیز در کتاب *با چراغ و آینه*، در بخشی که به بحث وطن و جغرافیای مربوط به آن می شود، ذیل شعری از سید اشرف (که درباره وطن سروده شده) می نویسد:

از تأمل در اجزای سازنده این وطن به روشنی می توان فهمید که این وطن به لحاظ جغرافیایی، عرصه وسیع فرهنگ ایرانی و قلمرو ادبیات فارسی است و نه تنها قلمرو زبان فارسی. به همین دلیل کشمیر و بلخ و هندوستان - که قلمروهای پهناور ادب فارسی اند - در چشم انداز این شاعر، همه، اجزای این وطن را تشکیل می دهند. این وطن ضمن اینکه دخمه فریدون است و تاج کیان روزی بر سر داشته است و شهریارانی چون جمشید و کیقباد که

پادشاهان اساطیری شاهنامه‌اند... تمام قومیت‌های متفاوت را از تبریزی و گیلانی و تهرانی و... در زیر چتر خویش دارد و با همه گرایش‌هایی که به جمشید و کیقباد و داریوش و فریدون دارد؛ تا آخرین فاتح بزرگ خویش، نادر را در کنار ایشان از یاد نمی‌برد و در عین حال وطنی است شدیداً اسلامی (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۹).

حال اگر وسیع‌تر به این مسئله بنگریم، درخواستیم یافت که در نگاه کلان، آثار ترجمه‌شده رضا سیدحسینی از چنین شاخصه‌ای برخوردار است. برای مثال، زمانی که کتاب *داستان‌هایی با قهرمانان کوچک از نویسندگان بزرگ را می‌خوانیم*، می‌بینیم که هر داستان مربوط به یک نویسنده و یک خطه جغرافیایی است که به لحاظ ظاهری فرسنگ‌ها با هم فاصله دارند؛ اما آنچه سبب شده است که سیدحسینی آن‌ها را کنار یکدیگر گرد آورد، تأکید بر مقوله جغرافیای فرهنگی و اعتلا و ارتقای فهم مردم سرزمینش است.

داستان اول کتاب با نام کودک و شمشیر از روژه دوینی، نویسنده‌ای فرانسوی، داستان بعدی با نام بچه‌ای که شکل گربه می‌کشید از لافکادیوهرن، نویسنده‌ای که اهل ایرلند است و نیز داستان‌های دیگر از نویسندگان دیگر از کشورهای مختلف است. سیدحسینی، پیش از هر داستان، با آوردن زندگینامه چندخطی از آن‌ها، مخاطب کودک یا نوجوان خود را با خالق داستان نیز آشنا می‌کند.

نتیجه‌گیری

با سیری در آثار ترجمه‌شده رضا سیدحسینی، به عنوان اندیشمند و صاحب‌نظر در حوزه‌ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و اجتماعی، درمی‌یابیم که شخصیت علمی او از جهات گوناگون شایسته‌ی بررسی و واکاوی است. در جستار پیش رو، سعی شده است یکی از این ابعاد مورد تحلیل قرار بگیرد. مقوله جهانی شدن همان مسئله‌ای است که شاخص‌ها و ویژگی‌های گوناگون آن در آثار ترجمه‌شده سیدحسینی به انحای مختلف قابل دریافت و واکاوی است.

نخستین مسئله، تسلط سیدحسینی به چند زبان زنده دنیا، از جمله فرانسه، ترکی استانبولی، انگلیسی و عربی است که سبب آشنایی او با آثار فاخر و دست اول فرهنگ‌های

گوناگون شده است. نکته دوم که بسیار حائز اهمیت است و شخصیت وی را جهانی ساخته، آشنایی او با دانش‌های متفاوت است. در میان آثار ایشان، کتب متعددی در حوزه ادبیات، فلسفه، روانشناسی، دین، کودک و نوجوان و غیره وجود دارد که این امر، نشان از قرابت میان فرهنگ‌ها در شخصیت علمی وی است. علاوه بر این‌ها، شاخصه مهم دیگر وی، دقت، نکته‌سنجی و وسواسی است که در ارائه ترجمه‌ها داشته است. در مقدمات و تعلیقات آثار ترجمه‌شده ایشان مشاهده می‌کنیم که اثر پیش رو، کاملاً سودمند، روشمند و هدفمند ترجمه شده است و از ظرافت‌های خاص خود برخوردار است.

نکته دیگری که وجود دارد، مقوله روحیه جهان‌وطنی و پاسداشت فضیلت و دانش است. گویا مرزبندی‌های صوری و مصنوعی، تأثیری در روند پژوهشی و ترجمه‌های سیدحسینی نداشته و تنها چیزی که ذهن ایشان را درگیر می‌کرده، کرامت انسانی و احترام به نوع بشر با هر سلیقه و ملیت و قوم و نژادی است.

شاخص‌های فوق، تنها بخشی از ویژگی‌های شخصیت علمی رضا سیدحسینی است که سبب شده است، پارادایم جهانی شدن و تأثیرات و تأثرات این مسئله را در ترجمه‌هایش دریابیم.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی ندارند.

منابع

- آذرننگ، عبدالحسین. (۱۳۸۵). «یادگاری ماندگار از رضا سیدحسینی». مجله بخارا. ش ۵۰، فروردین و اردیبهشت. صص ۵۵ - ۵۸.
- اسوت ماردن، اورایزن. (۱۳۶۸). پیروزی فکر. ترجمه رضا سیدحسینی. تهران: بامداد.
- اقتصادی‌نیا، سایه. (۱۳۸۷). «شرح حال و آثار و فعالیت‌های رضا سیدحسینی». نامه فرهنگستان. دوره دوازدهم ش دو پیاپی ۳۸، صص ۱۹۷ - ۲۰۱.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۵). «ملاحظات درباره چشم‌انداز جهانی شدن ادبیات معاصر ایران». نامه فرهنگستان. ش ۲۹. صص ۳۶ - ۵۰.
- پیشگاهی فرد، زهرا. (۱۳۸۰). «ابعاد جهانی شدن». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. دوره ۴۵ ش ۱۵۷. صص ۱۵۵ - ۱۷۲.
- سیدحسینی، رضا. (۱۳۷۷). بهانه‌ها و بهانه‌های تازه. تهران: نیلوفر.
- سیدحسینی، رضا. (۱۳۷۰). داستان‌هایی با قهرمانان کوچک از نویسندگان بزرگ. (چاپ چهارم). تهران: آرمان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). با چراغ و آینه؛ در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران. (چاپ چهارم). تهران: سخن.
- علی‌اکبری، معصومه. (۱۳۹۲). «آندره مالرو و امید». مجله بخارا. سال پانزدهم ش ۹۵ و ۹۶، مهر و آبان. صص ۵۱۷ - ۵۲۰.
- قاسمی سپاس، رحمت‌الله و صفری، جهانگیر. (۱۳۹۴). «بررسی جلوه‌ها و نمادهای پایداری در شعر ژاله اصفهانی». ادبیات پایداری. ش ۱۲. صص ۲۱۷ - ۲۴۰.
- کمالی، محمدجواد. (۱۳۹۲). تاریخ ترجمه ادبی از فرانسه به فارسی. مشهد: سخن گستر.

استناد به این مقاله: طایفی، شیرزاد. (۱۴۰۴). تأثیر جهانی شدن بر نقش و کارکرد آثار اندیشمند علوم انسانی - اجتماعی ایران، رضا سیدحسینی، دو فصلنامه‌ی مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای ادبیات، (۱)، ۱-۲۰. DOI: 10.22054/CISL.2023.66651.1007



Comparative and Interdisciplinary Studies of Literature licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.